



**فرصت‌ها و ریسک‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی**

**در شرایط بحرانی**

**حسین حشمتی مولایی\***

\* مدیر گروه مطالعات اقتصاد اسلامی پژوهشکده امور اقتصادی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵۰۹	چکیده
۵۱۰	مقدمه
۵۱۱	۱- مبانی نظری
۵۱۵	۲- تفاوت‌های اساسی بین نظام بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی
۵۱۹	۳- راه‌کارهای بین‌المللی در مورد بحران اخیر
۵۲۲	۴- فرصت‌ها و مخاطرات کشورهای مسلمان در مقابله با بحران
۵۲۶	نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۵۲۸	کتاب‌نامه

## فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

۵۱۴	نمودار ۱- انتشار صکوک در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷
۵۱۴	نمودار ۲- دارایی نهادهای مالی اسلامی در سال ۲۰۰۷

### چکیده

در این مقاله ضمن بررسی اجمالی فرصت‌ها و ریسک‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی در شرایط بحرانی در دو نظام بانکی سنتی (ربوی) و غیر ربوی از حیث نظری و مقایسه آن‌ها با هم، عملکرد این دو نظام به‌خصوص در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش اول ضمن بررسی نحوه تجهیز و تخصیص در نظام ربوی، نحوه تجهیز و تخصیص منابع در نظام غیرربوی بحث شده است. در بخش دوم مقاله با استفاده از اطلاعات موجود میزان موفقیت هر یک از دو نظام در جذب سپرده‌ها و اعطای تسهیلات تحلیل شده است. برای آنکه تحلیل‌ها واقعی‌تر باشد از متغیرهایی که می‌توانند در نتیجه‌گیری مؤثر باشند از قبیل نرخ بهره "i" و بازده مورد انتظار "E"، استفاده شده و با توجه به بررسی‌های انجام شده موفقیت نسبی نظام بانکی بدون ربا در رابطه با توانمندی آن در مقابل بحران‌های مالی مورد تأیید قرار گرفته است. ربوی بودن نظام تأمین مالی در جهان، تعادل نهایی تقسیم سود را از بین می‌برد و به همین جهت نظام مالی جهانی به یک بازارگرایی افراطی مبتلا شده است. ابزارهای مشتقه و مبتنی بر بدهی براساس آمارهای بانک تسویه بین‌المللی حدود ۲۴۲ هزار میلیارد دلار بوده که در مقایسه با تولید ناخالص داخلی که حدود ۵۲ هزار میلیارد دلار برآورد می‌شود، ۱۲ برابر است. در سال ۲۰۰۹ حجم ابزارهای بدهی تنها در آمریکا بالغ بر ۳۳ هزار میلیارد دلار بوده است که حدود ۲/۵ برابر تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> این کشور است. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که ما شاهد جدایی و تفکیک نظام مالی از بخش واقعی اقتصاد در نظام‌های مالی مبتنی بر بهره هستیم. به همین دلیل عدم تناسب دارایی‌های مشتقه و دارایی‌های بخش واقعی اقتصاد در یک نظام ربوی باعث شکل‌گیری حباب‌های قیمت و سرانجام بحران در اقتصاد می‌شود. در بخش سوم مقاله با اشاره به بحران‌های مالی اخیر و نقش آن در نقاط مختلف دنیا، این مسئله با توجه به کشورهای اسلامی و تأثیر آن در رابطه با نهادهای مالی اسلامی بحث شده است و نهایتاً راهکارهایی که می‌تواند مخاطرات مالی را در بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی کاهش دهد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: بانکداری اسلامی، مشارکت سهامی، ذخیره جزئی، بهره ربوی، بهره غیر ربوی، بانکداری غیرربوی، مشارکت در سود و زیان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> GDP: Gross Domestic Product

<sup>۲</sup> PLS: Profit & Loss sharing

## مقدمه

بانک به‌عنوان یک نهاد مالی ضروری، تاریخی به قدمت پول های کاغذی دارد. از زمانی که صرافان با قبول امانات مردم به آن‌ها رسید پرداخت می‌کردند و این رسیده‌ها به تدریج در مبادلات مردم وسیله‌ای برای مبادله تلقی شد و دست به دست می‌گشت، پول کالایی به تدریج منسوخ و پول پایه کاغذ پا به عرصه وجود گذاشت.

به این ترتیب ناشران این حواله‌ها (صرافان) تا حدودی نقش نهادهای مالی امروزی را در رابطه با بعضی از وظایف مبادله اعتباری بر عهده گرفتند و در واقع سنگ بنای بانکداری نوین امروزی را پایه‌گذاری کردند.

به‌طور کلی بانک و بانکداری از بدو پیدایش همپای بهره محوری بوده، به‌گونه‌ای که انگیزه اساسی صرافان در وام دادن، به‌دست آوردن بهره بوده است. در گذر زمان آن چنان این دو با هم هماهنگ شده‌اند که بسیاری از مردم و حتی صاحب‌نظران، آن‌ها را تفکیک ناپذیر می‌دانستند. از این‌رو، در بحث‌های علمی، اندیشه ایجاد نظامی بانکی بدون وجود نرخ بهره از جایگاهی قابل قبول برخوردار نبود.

ضرورت وجود بانک در صحنه اقتصاد از یک سو و گرایش اساسی بانک‌ها به بهره از سوی دیگر، فعالان اقتصادی و متفکران مسلمان را به فکر ایجاد و تأسیس نظام بانکی در چارچوب اصول اسلام به‌عنوان جایگزین بانک‌های سنتی انداخت. بر این اساس نخستین بانک اسلامی در جهان عرب در اواخر دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی به ابتکار دکتر نجار رهبر جمعیت اخوان المسلمین در مصر تأسیس شد و به تدریج بانک‌های دیگری در کشورهای سودان، کویت، اردن، بحرین، عربستان سعودی و... به وجود آمد. بی‌گمان سال‌ها قبل از جهان عرب، در ایران نیز مؤسسات مالی اسلامی تحت عنوان صندوق‌های مالی شکل گرفت که اولین آن صندوق سرمایه‌گذاری اثنی عشری در سال ۱۳۱۷ بود<sup>۱</sup> (اطلاعات ۲۵ دی ۱۳۸۵) و سپس صندوق قرض‌الحسنه‌ای بود که به‌طور رسمی در سال ۱۳۴۸ در خیابان لرزاده تهران تأسیس شد.

با شکل‌گیری این نهادهای مالی، نظراتی نیز به منظور تغذیه فکری گرداندگان آن و نیز آشنایی بیش‌تر مردم با شیوه کارکرد آن‌ها به رشته تحریر درآمد. این نشریات و کتاب‌ها گرچه عموماً نگرشی سیستمی به بانکداری اسلامی نداشتند، لیکن در شرایط زمانی خود نقش مهمی در راه‌اندازی و پشتیبانی نرم‌افزاری از بانک‌های اسلامی ایفا کردند که معروف‌ترین آن‌ها کتاب

<sup>۱</sup> روزنامه اطلاعات به نقل از فصلنامه بانک، ۲۵ دی ۱۳۸۵

مشهور "البنک اللاربوی فی الاسلام" نوشته متفکر بزرگ شیعه، شهید آیه الله سید محمد باقر صدر بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران به رهبری قائد عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی (قدس سره) که تحولی بزرگ در حیات اسلام و مسلمانان به وجود آورد، جهان شاهد اوج‌گیری نهضت جهانی اسلام و درخشش فرهنگ اسلام و نیز شیوه‌های مالی و اجتماعی به‌عنوان جهت دهنده اصلی این حرکت مبارک گردید. با بیداری مسلمانان و رونق گرفتن تفکر بازگشت به اسلام راستین، فرهنگ اسلامی که پیش از این مهجور مانده بود، جایگاه رفیع و شایسته خود را بازیافت، به‌گونه‌ای که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی تلاش‌های چشمگیری به‌منظور انطباق قوانین و مقررات، به‌ویژه قوانین اقتصادی، با موازین اسلامی به چشم می‌خورد و در این میان توجه به بانکداری اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان آغازگر این حرکت، در این جهت پیشقدم شد و به‌رغم تردید برخی از کارشناسان امور پولی و بانکی در مورد موفقیت و کارایی این نظام با استفاده از متخصصان مجرب امور بانکی و مسائل شرعی، قانون عملیات بانکی بدون ربا تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید. این قانون در جلسه سه شنبه ۱۳۶۲/۶/۸ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید و از سال ۱۳۶۳ رسماً به اجرا گذاشته شد.

اکنون پس از گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بیش از ۲۶ سال از قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران، شاهد رویکردی جهانی به سمت نظام بانکی اسلامی که عمدتاً مبتنی بر اصل "مشارکت در سود و زیان" است می‌باشیم.

## ۱- مبانی نظری

با پیدایش بحران‌های اقتصادی و ورشکستگی‌های پیاپی بنگاه‌های اقتصادی، به‌خصوص بعد از بحران بزرگ سال ۱۹۳۰، برخی از اقتصاددانان از جمله "هنری سیمونز" (۱۹۴۸) به ناکارایی نرخ بهره و نیز بحران آفرینی آن پی برده و نظام مشارکت سهمی را پیشنهاد و مطرح کردند. این نظریه اگر چه تاحدودی به دکترین بانکداری اسلامی نزدیک بود، لیکن با توجه به عدم امکان سیاستگذاری پولی در مدل سیمونز مورد انتقاد "فریدمن" (۱۹۶۹) قرار گرفت.

پس از بحران بانک‌ها در آمریکا در دهه ۱۹۸۰ دوباره متفکرانی مثل "کیندل برگر" (۱۹۸۵)، "گولمب و مینگو" (۱۹۸۵) و "کاره کن" (۱۹۸۵) با توجه به بی‌ثباتی مالی سیستم مبتنی بر نرخ بهره بر الگوی سیمونز تأکید نمودند، لیکن به‌رغم این مسئله، هنوز بهره از عناصر اصلی و کلیدی نظام بانکداری ربوی است، به‌طوری‌که در عملیات مالی و نیز در تحلیل‌های نظری مثل تابع پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، عرضه و تقاضای پول و تحلیل تعادل عمومی در سطح کلان، نرخ بهره از جایگاه تقریباً مهمی برخوردار است.

در سال‌های اخیر پس از انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در ایران (۱۳۶۲) تلاش‌هایی توسط اقتصاددانان مسلمان به‌خصوص "خان و میرآخور" (۱۹۸۷) در رابطه با اثبات کارایی یک نظام بانکی بدون بهره و توانمندی آن در برابر بحران‌های مالی صورت گرفته است.

امروزه می‌توان گفت که در عمل نیز نهادها و بانک‌های اسلامی پس از بحران اخیر مالی در جهان از ثبات بیشتری برخوردار بوده‌اند.

در حال حاضر واحدهای بانکداری اسلامی به طرز چشمگیری در سراسر جهان، از جمله کشورهای سرمایه‌داری گسترده شده و این نظام از حیث نظری به‌عنوان منجی اقتصاد کشورهای غربی، به‌خصوص آمریکا، از بحران‌ها و نوسان‌های اقتصادی مطرح شده است، به‌نحوی‌که پس از بحران اخیر خانم کریستین لاگارد وزیر اقتصاد کشور فرانسه<sup>۱</sup>، اخیراً از طرح‌هایی خبر داده که براساس آن چارچوب‌های اقتصادی و حقوقی خود را با نظام بانکداری اسلامی تطبیق دهد. کریستین لاگارد، وزیر اقتصاد فرانسه به سرمایه‌گذاران کشورهای حوزه خلیج فارس گفته است فعالیت‌های آن‌ها همان‌طور که در لندن مورد استقبال قرار گرفته است، در پاریس نیز مورد استقبال خواهد بود.

انتظار می‌رود تا پایان ماه ژوئیه دولت فرانسه تنظیمات حقوقی و مالی منطبق با قوانین شریعت اسلام را اعلام کند. به‌طوری‌که مقررات جدید صدور اوراق بهادار اسلامی و معاملات مستغلات را تسهیل می‌کند.

از سوی دیگر امانوئل ولند از آژانس استاندارد و فقر تأکید کرده که اظهارات وزیر اقتصاد فرانسه در جمع بازرگانان کشورهای حاشیه خلیج فارس نخستین اظهاراتی بوده است که از سوی یکی از نمایندگان دولتی به‌صورت آشکار درباره توسعه اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود.

<sup>۱</sup> French News: French economy minister wants to promote Islamic finance to attract Gulf-based investment which is currently flowing to London, 2008.

به این ترتیب، گسترش و رونق اقتصاد و بانکداری اسلامی در میان کشورهای اسلامی از یک سو و تقاضای کشورهای غربی مبنی بر تطابق قوانین بانکداری خود با قوانین اسلام نیز از سوی دیگر رشد درخور توجه اقتصاد اسلامی را رقم زده است.

اکنون این شیوه بانکداری در بیش از ۲۰۰ بانک بزرگ جهان جریان دارد. مجموع دارایی‌های بانک‌های اسلامی جهان در سال ۱۹۹۶ حدود ۱۳۷ میلیارد دلار بود که در همان سال، سود خالصی معادل ۱/۷ میلیارد دلار عاید سهامداران گردید. میزان دارایی‌های بانک‌های اسلامی طی سال‌های گذشته، سالانه حدود ۱۵ درصد رشد کرده است که در دنیای بانکداری رقمی بی‌سابقه محسوب می‌شود. سرمایه این بانک‌ها هم‌اکنون به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ شده است.

در حال حاضر برخی عملیات مالی اسلامی مثل انتشار اوراق صکوک با رشد پایداری تداوم یافته، به طوری که صکوک منتشر شده در سال ۲۰۰۲ تنها به ۹۸۰ میلیون دلار بالغ گردید و این میزان در سال ۲۰۰۷ طبق نمودار شماره ۱ به ۴۷ میلیارد و ۹۹ میلیون دلار رسیده است.<sup>۱</sup>

این درحالی است که روند نمایی جذب و انتشار این اوراق در بازارهای مالی جهانی با شتاب بسیار بالا و همان‌طور که ملاحظه می‌شود براساس روند زمانی با ضریب همبستگی معادل  $R^2=0.96$  درصد تا سال‌های اخیر ادامه داشته است. نکته قابل توجه اینکه حتی در سال‌های اخیر که جهان با بحران مالی مواجه بوده است، اگرچه شتاب حرکت تحت تأثیر عوامل بین‌المللی کاهش یافته، لیکن همچنان به روند فزاینده خود ادامه داده است.

<sup>۱</sup> Askari, H., Iqbal, Z., Mirakhor, A: *New issues in Islamic Finance & Economics*, John Wiley & Sons, 2009.

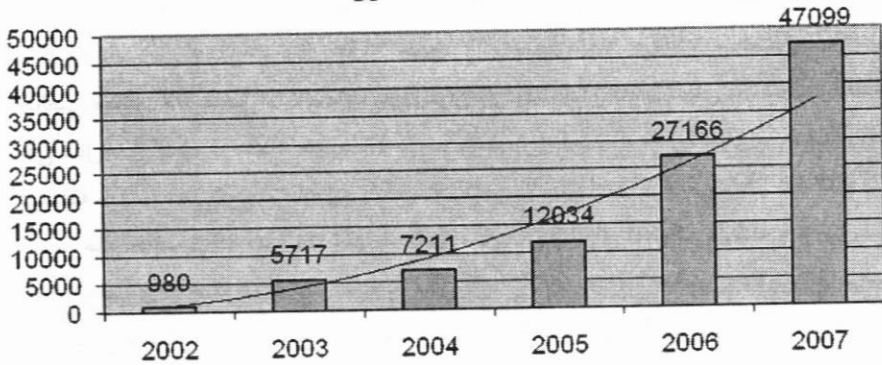


نمودار ۱: انتشار صکوک (میلیون دلار)

Global Sukuk issuance (us \$ million)

$$y = 1018 \cdot x^{2.011}$$

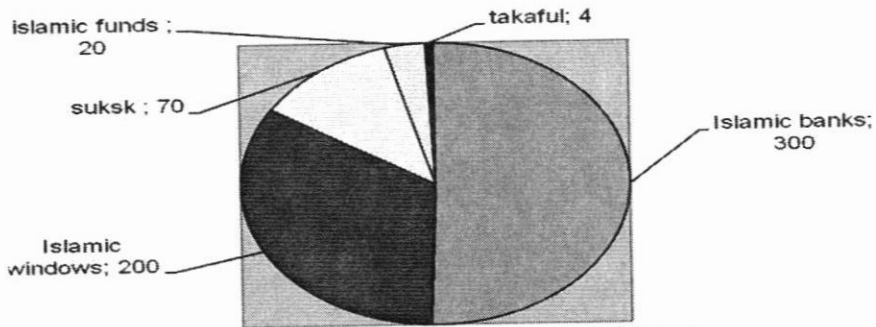
$$R^2 = 0.964$$



IFIS : ماخذ

در رابطه فوق  $Y$  میزان انتشار صکوک در بازارهای اسلامی و  $X$  روند زمانی را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود، دارایی بانک‌های اسلامی در سال ۲۰۰۷ معادل ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است و این در حالی است که با در نظر گرفتن سایر عملیات مالی اسلامی مثل صکوک و تکافل (بیمه‌های اسلامی و سایر عملیات این رقم به تقریباً ۶۰۰ میلیارد دلار بالغ شده است.

نمودار ۲: دارایی نهادهای مالی اسلامی در سال ۲۰۰۷ (میلیارد دلار)



Islamic assets under management (b\$, 2007)

IFIS : ماخذ

با حرکت رو به جلوی بانکداری اسلامی و آشکار شدن اهمیت روز افزون آن برای جهانیان، بانک جهانی نیز وارد عمل شد و گروه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی متعددی را برای شناخت ابعاد بانکداری اسلامی تشکیل داده است. نتیجه فعالیت این گروه‌ها تاکنون انتشار ده‌ها جلد کتاب و مقاله علمی در این زمینه بوده است.

## ۲- تفاوت‌های اساسی بین نظام بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی

معمولاً سؤالی که در رابطه با تفاوت بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی مطرح می‌شود و پاسخ به آن قبل از ورود به بحث اصلی لازم به نظر می‌رسد این است که آیا تفاوت ماهوی بین بانکداری سنتی (ربوی) و بانکداری غیرربوی وجود دارد یا اینکه تفاوت‌ها صوری است؟ بدون توجه به برخی از عملکردهای ناصواب در نظام بانکی بدون ربا در کشورهای اسلامی، که موجب سوء تفاهم در مورد نبود تفاوت واقعی بین این دو نظام در بین قشر نسبتاً وسیعی از جامعه شده است، نگاهی گذرا به ماهیت این دو نظام، تفاوت ماهوی آن‌ها را آشکار می‌سازد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود<sup>۱</sup>:

اول- در نظام سنتی (ربوی) رابطه بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد تقریباً قطع می‌شود؛ زیرا اساس کار بر وام‌دهی و وام‌گیری است و در این نظام بدون وارد شدن در یک فعالیت واقعی اقتصادی کسب درآمد امکانپذیر است، درحالی‌که در نظام غیرربوی در صورتی که درست عمل شود بدون ورود در یک فعالیت اقتصادی، سودی متصور نیست.

دوم- از آن‌جا که سرمایه‌گذاری تابع معکوس نرخ بهره است و نرخ بهره به‌عنوان هزینه‌ای برای سرمایه‌گذاری عمل می‌کند، در نظام‌های ربوی نرخ بهره یک محدودیت برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود و با توجه به نرخ بهره، بسیاری از طرح‌ها توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهند، ولی در نظام غیر ربوی از آن‌جا که نرخ بهره اصولاً مطرح نیست و در قراردادهای مشارکتی (که نقش برجسته‌ای در نظام بانکی غیرربوی دارد) تنها در صورت سودآور شدن فعالیت اقتصادی، آورنده پول سهمی را دریافت می‌کند، بنابراین هزینه سرمایه‌گذاری از این جهت صفر است و هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در این نظام متناظر با سود واقعی بازار است و در نتیجه انتظار می‌رود که در یک نظام غیرربوی (با فرض ثبات سایر عوامل) سرمایه‌گذاری

<sup>۱</sup> محمد رجایی: مقایسه اجمالی تجهیز و تخصیص منابع پولی در دو نظام بانکی ربوی و غیرربوی. نشریه معرفت،

با توجه به ریسک کمتر نوسان‌های بازار مالی، در مقایسه با نظام سنتی بیشتر تحقق پیدا کند. با افزایش سرمایه‌گذاری سطح اشتغال نیروی کار و سایر عوامل تولید بالا رفته، درآمد صاحبان عوامل تولید افزایش می‌یابد. به دنبال آن، تقاضای عرضه‌کنندگان وجوه برای مشارکت با مدیران مبتکر، با تجربه و خوش سابقه افزایش می‌یابد. در نتیجه، هزینه فرصت سرمایه انسانی بالا رفته و توزیع دوباره درآمد از سرمایه نقدی به سمت سرمایه انسانی صورت می‌پذیرد. در پی فرآیند فوق، رقابت میان مدیران و کارگزاران زیاد شده و فعالیت‌های تولیدی بالا می‌رود، مبادله اطلاعات میان شرکا، به‌منظور جذب سرمایه‌های نقدی و انسانی یکدیگر افزایش یافته، نظارت و همکاری برای دست یافتن به سود مشترک زیاد می‌شود و این‌ها در مجموع رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و توسعه را فراهم می‌کنند.

سوم- در شرایط عملیات بانکداری اسلامی، شیوه عمل به‌گونه‌ای است که اگر در بخش واقعی اقتصاد مازاد واقعی تشکیل نشود، در بخش اسمی آن بازار نیز سودی به‌دست نمی‌آید، درحالی‌که در اقتصاد ربوی چنین توازنی میان جریان گردش درآمدهای پولی با جریان گردش کالا یا ارزش افزوده در اقتصاد وجود ندارد؛ زیرا بهره، بدون توجه به فعالیت اقتصادی پرداخت می‌شود. این توازن بین درآمدهای پولی و واقعی موجب می‌شود که حجم پول خود به خود تابعی از عرضه کل شود و مبادله به شکل تعادلی برقرار شود. نتیجه این وضعیت، ثبات قدرت خرید پول و امکان وجود تورم در حداقل ممکن است.

چهارم- نکته مهم دیگری که در بانکداری ربوی وجود دارد این است که وقتی اقتصاد از شرایط رونق به سمت رکود می‌رود، نهادهای مالی با توجه به اینکه بدون توجه به عملکرد اقتصادی به انباشتگی سود پرداخته‌اند، مواجه با بحران می‌شوند. این نکته را می‌توان با توجه به تراز دارایی و بدهی بانک‌ها به‌صورت زیر در نظر گرفت:

#### الف- تغییر در دارایی و بدهی بانک اسلامی و بانک ربوی در شرایط ایستا

تغییر در بدهی	*	تغییر در دارایی
BR		VC
UR		RR
		ER
N.W.=0		I,F

در شرایط عادی (حالت الف)، یعنی وضعیتی که تناظر لازم بین بازار پولی و بازار واقعی وجود دارد، تغییر در دارایی هم در بانک‌های اسلامی و هم در بانک‌های متعارف براساس تغییر ذخایر نقدی آن‌ها مثل تغییر در ذخایر داخلی بانک‌ها (VC)، یا تغییر در ذخایر قانونی (RR) و یا تغییر در ذخایر اضافی آن‌ها (ER) صورت می‌گیرد، بی‌گمان تغییر معمولاً همراه با تغییرات در تسهیلات (وام‌ها) و سرمایه‌گذاری بانک‌ها (I,F) است که عملاً تابع بازار واقعی است و خود موجب تغییر در دارایی بانک‌ها خواهد شد.

همزمان با تغییرات دارایی، بانک‌ها ناچار به تغییر بدهی‌های خود مثل ذخایر استقراضی (BR) و ذخایر غیراستقراضی (UR) خواهند بود و این فرآیند درحالی است که فرض می‌کنیم ارزش ویژه (N.W.) بانک‌ها معادل صفر باشد.

تراز فوق در شرایط پویا متفاوت خواهد بود به طوری که با انبساط اعتباری سیستم بانکی، بانک‌های اسلامی و بانک‌های ربوی تغییراتی متفاوت نسبت به یکدیگر نشان خواهند داد در صورتی که این تغییرات را ملاحظه نماییم می‌توان وضعیت این بانک‌ها را در شرایط پویا مورد بررسی قرار داد.

#### ب- تغییر در دارایی و بدهی بانک‌های غیراسلامی در شرایط پویا

تغییر در بدهی	•	تغییر در دارایی
$BR(1+i)^t$		VC
$UR(1+i)^t$		RR
		ER
$N.W.=0$		$I,F(1+I)^t$

#### ج- تغییر در دارایی و بدهی بانک اسلامی در شرایط پویا

تغییر در بدهی	•	تغییر در دارایی
$BR(1+r)^t$		VC
$UR(1+r)^t$		RR
		ER
$N.W.=0$		$I,F(1+r)^t$

در روابط فوق فرض شده است که با گذشت زمان  $t$  در بانک‌های غیراسلامی براساس نرخ بهره  $i$  و در بانک‌های اسلامی براساس نرخ بازدهی مورد انتظار، ارزش دارایی‌ها و بدهی بانک‌ها تعیین شود و برای سادگی و تحلیل بهتر مسئله، ارزش ویژه و حق‌العامل سیستم بانکی<sup>۱</sup> صفر فرض شده است (  $N.W.=0$  ). در این حال با توجه به اینکه نرخ بهره از پیش تعیین می‌شود، نهادهای مالی مبتنی بر عملیات ربوی بی‌درنگ به محض شروع شرایط رکود، به دلیل عدم امکان وصول وثایقی که دارند و منابعی که به صورت تسهیلات داده‌اند، با بحران و ورشکستگی روبه‌رو می‌شوند، زیرا در این بانک‌ها بازدهی واقعی بازار که پشتوانه دارایی‌های مالی بانک‌ها است، به مراتب کمتر از ارزش ضمانت شده دارایی بانک‌ها بوده و در نتیجه مدیریت دارایی به مدیریت بدهی تبدیل شده و با توجه به عدم تعادل در روابط زیر منجر به ورشکستگی بانک‌ها می‌شود.

$$UR(1+i)^t < F(1+i)^t$$

$$BR(1+i)^t < I(1+i)^t$$

در صورتی که در نظام بانکداری اسلامی، به محض اینکه اقتصاد از حالت رونق به رکود برسد، با توجه به مشارکت بانک‌ها، ارزش دارایی از سرعت فعالیت بانکی هم کاسته می‌شود و با توجه به مشارکت سپرده‌گذار و گیرنده تسهیلات تعادل همواره بین دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها براساس روابط تعادلی زیر برقرار بوده و این امر موجب ثبات نظام می‌شود.

$$UR(1+r)^t = F(1+r)^t$$

$$BR(1+r)^t = I(1+r)^t$$

با توجه به این ویژگی و ویژگی‌های پیش گفته، بعضی از اقتصاددانان غربی متقاعد شده‌اند که اجرای نظام مشارکت در سود و زیان (PLS)<sup>۲</sup> براساس عقود اسلامی می‌تواند مشکلات و بحران‌های اقتصادی را حل کند. در اینجا تکرار اعتراف سال‌ها قبل روزنامه پرشمار وال استریت<sup>۳</sup> ژورنال که به مناسبت بحران‌های دهه هشتاد مطرح شده، قابل ملاحظه است<sup>۴</sup>:

"بحران بانکی امریکا با گرایش به نظام بانکی اسلامی قابل حل است ... نظریه بانکداری

<sup>۱</sup> Spread

<sup>۲</sup> Profit & Loss Sharing

<sup>۳</sup> Wall Street Journal

<sup>۴</sup> ایرج توتونچیان: مقایسه سرعت گردش پول در سیستم سرمایه‌داری و اسلام. مجموعه مقالات چهارمین

اسلامی برای غرب حامل پیام امیدوارکننده‌ای است که می‌تواند مشکلات این بحران را حل کند. روزنامه مزبور در تحلیل این قضیه می‌نویسد: در نظام بانکداری اسلامی پرداخت بهره مجاز نیست و بانک‌ها براساس نظام سود یا زیان حاصله از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سازنده و نسبتاً مطمئن که احتمال زیان آن‌ها کمتر است کار می‌کنند. این روزنامه نتیجه می‌گیرد: چنانچه امور بانکداری بین‌المللی و بانک‌های داخلی آمریکا به‌ویژه در امر وام‌دادن براساس نظام بانکداری اسلامی عمل کرده بودند، بحران بدهی‌های بین‌المللی و بحران مؤسسات بانک‌های داخلی آمریکا، معروف به بحران مؤسسات پس‌انداز وام روی نمی‌داد."

### ۳- راه‌کارهای بین‌المللی در مورد بحران اخیر

بحران اخیر در سیستم مالی بین‌المللی به مراتب جدی‌تر از بحران‌های تجربه شده توسط جامعه جهانی در دوره‌های قبلی ارزیابی می‌شود. این بحران بازارهای مالی را متزلزل کرده و در همان حال باعث کاهش بی‌سابقه ارزش سهام و اوراق مشتقه در بورس‌ها شده است. در این بحران که با ترکیدن حباب قیمتی ابزارهای مالی در بازار مسکن آمریکا آغاز و به دنبال خود ناکامی در تحقق تعهدات وام‌های اعطایی به مشتریان کم‌اعتبار شده بود، به سرعت مطالبات معوق بانک‌ها افزایش یافت و سرانجام این بحران به سایر بخش‌های اقتصادی سرایت یافت. به‌طور کلی میزان وام‌های اعطایی به وام‌گیرندگان کم‌اعتبار، حدود ۱/۳ تریلیون دلار در ماه مارس ۲۰۰۷ برآورد شده است که تقریباً معادل ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی کشورهای عضو بانک توسعه اسلامی است.

بی‌گمان نباید علت اصلی بحران مالی را تنها در اثر مشکلات ناشی در بازار وام در بخش مسکن جست و جو کرد. این بحران علل گوناگون و پیچیده‌ای دارد. از جمله برخی نبود نظام قانونی مناسب و نظارت‌های دولتی بر مؤسسات مالی را یکی از مهم‌ترین عوامل بحران تلقی کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت که در جریان وقوع بحران هیچ قانونی وجود نداشت که مؤسسات مالی را از دادن وام‌های با ریسک بالا باز دارد. اکثر تحلیل‌گران بر این نکته تأکید می‌کنند که عدم موفقیت‌های مؤسسات در ایفای تعهداتشان ناشی از دادن وام‌هایی بیش از دارایی‌شان بوده است. در این حال با توجه به نوسان‌های مداوم قیمت اوراق قرضه، این مسئله ضرورت می‌یافت که مؤسسات مالی فاصله معقولی را میان بالاترین قیمت کل دارایی‌هایشان در بازار و بدهی‌هایشان حفظ کنند. در هر حال با توجه به اینکه مؤسسات مالی در ایفای تعهدات خود ناکام می‌مانند، نااطمینانی ایجاد شده در بازار نسبت به این مؤسسات و همچنین افت

ارزش سهام این مؤسسات، طلبکاران را به سوی وثیقه‌های این مؤسسات سوق می‌داد. به طوری که مرتباً، پرداخت سریع دیونشان را مطالبه می‌کردند.

اگر چه بحران مالی در آمریکا آغاز شد، لیکن به سرعت تبدیل به یک بحران با گستره بازارهای مالی جهان گردید. طبق بررسی‌ها و اطلاعات منتشره از طریق نهادهای مالی<sup>۱</sup>، میزان دیون پرداخت نشده در سال ۲۰۰۷ معادل ۱/۵ تریلیون دلار بوده است که مبلغ ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به تأمین مالی حاصل از دیون مشتریان فاقد اعتبار و وام‌های با ریسک کمتر و اوراق قرضه دارای پشتوانه وام‌های تجاری است. این مشکلات ناشی از اعسار بدهکاران در بازار مالی باعث شد که بانک‌ها به رویکرد دادن وام به یکدیگر گرایش یابند، در حالی که این مسئله در برخی نظرات به دلیل بی‌اعتنایی بانک‌ها به بازار بی‌اعتبار املاک در آمریکا تلقی شده است.

راهکار عمده‌ای که مقامات مختلف بانکی بین‌المللی به کمک مقامات صندوق بین‌المللی پول<sup>۲</sup> برای بازگرداندن اعتماد و اطمینان به بازارهای مالی مورد تأکید قرار داده‌اند می‌تواند قابل ملاحظه باشد:

این اقدامات شامل چهار فعالیت عمده است که عبارتند از: تخصیص واقع‌گرایانه نقدینگی، مدیریت ریسک، تبادل اطلاعات در زمینه عملیات برون مرزی و نظارت بر بنگاه‌های سنجش اعتبار. علاوه بر این بسیاری از دولت‌ها با ایجاد تسهیلاتی که مبلغ کل آن‌ها به ۳ تریلیون دلار می‌رسد به منظور ضمانت وام و تزریق نقدینگی برای بازگرداندن اطمینان و آرامش به سیستم‌های مالی و همچنین حفظ شیب ملایم وام‌دهی‌ها تشویق شده‌اند. به‌طور کلی سیاست‌گذارانی از اطراف و اکناف جهان برنامه‌ها و طرح‌های زیادی را برای به کار انداختن دوباره بازارهای مالی ارائه کرده‌اند و عمده‌ترین راهکارهای اساسی که برای ریشه‌کنی بحران مالی برداشته شده است عبارت است از:

- الف - تمایل دولت‌ها برای خرید دارایی‌های در معرض ریسک بانک‌ها و نهادهای مالی دچار مشکل
- ب - تزریق نقدینگی به نظام مالی جهانی برای حفظ وضعیت زیرساخت‌های مالی جهان.
- ج - کاهش نرخ‌های بهره برای مقابله با بحران اقتصادی.

در طول ماه‌های گذشته بیشتر کشورهای اروپایی طرح جامعی را ارائه کردند. خزانه‌داری آمریکا تا میزان ۵۴۰ میلیارد دلار از بدهی‌های کوتاه‌مدت به بازار پول را تأمین مالی کرد تا اسباب خروج نظام مالی آمریکا از بحران را فراهم کند. آمریکا همچنین در نظر دارد ۱۲۵

<sup>۱</sup> J P Morgan

<sup>۲</sup> IMF, Survey Magazine January, No 28, 2009

میلیارد دلار در بانک‌های بزرگ این کشور سرمایه‌گذاری کند که سی تی گروپ و گلدمن ساکس از آن جمله است. دولت چین با ارائه یک بسته ۵۸۶ میلیارد دلاری، دست به یک اقدام بزرگ برای جلوگیری از تأثیر بحران اقتصادی بر اقتصاد خود زده است، بر این اساس سرمایه‌گذاری‌ها تا پایان سال ۲۰۱۰ در بخش‌های زیرساختی و سایر بخش‌های کلیدی انجام خواهند شد. بخشی از این مبالغ از منابع بخش خصوصی تأمین خواهد شد. در هر حال اقتصاد مبتنی بر صادرات چین شروع به تأثیرپذیرفتن از افول اقتصاد آمریکا و اروپا کرد. این دولت تاکنون نرخ بهره‌های اصلی را به‌منظور ایجاد تحرک اقتصادی، چندین بار در طول زمان‌های کوتاهی کاهش داده است، دولت کره جنوبی با هدف ثبات بخشیدن به بازارهای مالی این کشور با دریافت وام ارزی توسط بانک‌های این کشور موافقت کرده و براساس برنامه کمک به اقتصاد دولت ضمانت پرداخت تمامی وام‌های دریافتی توسط بانک‌های کره‌ای را که پیش از ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹ دریافت شده باشد را می‌پذیرد. جدای از این امر ۷۵۰ میلیون دلار دیگر به منابع بانک صنعت کره تزریق می‌شود تا بتواند وام‌هایی به صنایع کوچک اختصاص دهد. ژاپن نیز یک بسته محرک به میزان ۳۰۰ میلیارد دلار (۳۰ تریلیون ین) برای ایجاد حرکت در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور اختصاص داده است. این بسته شامل وام‌ها و اعتبارات تخصیصی به کسب و کارهای کوچک و متوسط نیز می‌شود. کاهش مبالغ عوارض اتوبان‌ها و ۲ تریلیون ین معادل ۲۰ میلیارد دلار مجموع افزایش درآمد خانوارهاست. دولت ایتالیا نیز ۳۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بانک‌ها انجام داده است تا وام‌دهی به شرکت‌ها متوقف نشود. در این حال صندوق بین‌المللی پول، کشورهای توسعه یافته را تشویق کرده است که کمک‌های خود را که پیش از بحران به کشورهای در حال توسعه وعده داده‌اند قطع نکنند. به اعتقاد بانک جهانی راه‌های متعددی وجود دارد که بحران اقتصاد جهانی می‌تواند بر توسعه تأثیر بگذارد. این تأثیرات به فراخور هر کشوری متفاوت است. عوامل عمده و کلیدی در این میان عبارتند از:

اول- قطع کمک‌های بین‌المللی برای توسعه

دوم- کاهش دسترسی به بازار سرمایه‌های مالی بین‌المللی

سوم- افزایش جریان سرمایه به کشورهای در حال توسعه

چهارم- گسترش آشفته‌گی بازار بورس در بازارهای نوظهور

پنجم- کاهش تقاضای جهانی برای صادرات کشورهای در حال توسعه

ششم- به تعویق افتادن پروژه‌های سرمایه‌گذاری

هفتم- افزایش مطالبات معوق تحت تأثیر رکود اقتصادی



براساس آمار منتشر شده توسط صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصاد جهانی در ۲۰۰۹ به ۲/۲ درصد می‌رسد. چین رشدی معادل ۸/۵ درصد در سال ۲۰۰۹ خواهد داشت. اروپا نیز با کاهش ۱/۳ درصدی در تولید ناخالص ملی واقعی در سال ۲۰۰۸ و کاهش ۰/۲ درصدی آن در سال ۲۰۰۹ مواجه می‌شود. این سقوطها ناشی از افزایش نرخ تورم و کاهش تقاضای صادرات و بحران اقتصادی است. بزرگترین اقتصاد اروپا یعنی آلمان هیچ رشدی در سال ۲۰۰۹ نخواهد داشت. این درحالی است که در سال قبل از آن ۱/۸ درصد رشد داشته است. فرانسه نیز تنها رشدی معادل ۰/۲ درصد خواهد داشت. درحالی‌که در سال ۲۰۰۸ رشد اقتصاد این کشور ۰/۸ درصد بوده است. به هر حال همزمان با کاهش رشد اقتصاد در اروپا، افزایش قیمت‌ها قابل پیش‌بینی خواهد بود. به طوری‌که این امر سرانجام منجر به کاهش نرخ بهره‌ها توسط بانک مرکزی اروپا خواهد شد.

در این حال کشورهای عضو BRIC یعنی برزیل روسیه هند و چین اولین موضع مشترک خود را در مورد لزوم انجام اصلاحات در ساختار سازمان‌هایی نظیر صندوق بین‌المللی پول اعلام کردند تا قدرت بیشتری به کشورهای توسعه یافته برای رشد اقتصادی بیشتر بدهند. آن‌ها همچنین اقداماتی را برای کم اثر نمودن بحران مالی جهانی انجام داده‌اند. آن‌ها در این راستا توافق کردند همکاری‌هایشان را برای گسترش تجارت فی‌مابین با هدف گسیل سرمایه‌های بیشتر به این کشورها افزایش دهند.

#### ۴- فرصت‌ها و مخاطرات کشورهای مسلمان در مقابله با بحران

براساس گزارش IMF<sup>۱</sup> و نیز IDB<sup>۲</sup> درآمد ملی واقعی کشورهایی که روابط اقتصادی بیشتری با کشورهای غربی داشته‌اند به علت بدتر شدن رکود اقتصادی غرب در سال‌های آتی با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد، به این ترتیب برآورد می‌شود بخش‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با ۵/۱ درصد کاهش مواجه شود. به همین دلیل و با توجه به سرایت رکود اقتصادهای پیشرفته، بیشتر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شروع به تزریق نقدینگی و اعتماد دادن به بازار کرده‌اند که در این میان امارات متحده عربی با فراهم کردن ۷/۳۲ میلیارد دلار برای بخش مالی خود در این طرح پیشرو

<sup>۱</sup> قبلی

<sup>۲</sup> IDB hosts meeting on global crisis (2008)

است. این کشورها همچنان تمام وجوه سپرده شده در بانک‌های عمده در امارات متحده عربی را تضمین کرده‌اند. دولت کویت همچنان سپرده‌های شهروندان و خارجی‌ها را مورد ضمانت قرار داده است. کویت سومین کشور عربی در حوزه خلیج فارس است که این ضمانت‌ها را ارائه می‌دهد و از این نظر بعد از امارات متحده عربی و عربستان سعودی قرار دارد.

به‌طور کلی سیاست‌سازان کشورهای حوزه خلیج فارس در این ناحیه بسیار فعال بوده‌اند، لیکن بازار سهام در عربستان سعودی، بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی طی ماه‌های اخیر همچنان با رکورد اقتصادی مواجه بوده‌اند. این کشورها با کاهش مرتب سهام در بازار روزانه حدود ۲۰۰ میلیارد دلار از دست داده‌اند. به علت مشکلات جهانی محدودیت اعتبارات و محدودیت بانک‌ها برای قرض گرفتن در بازارهای بدهی جهانی، مخاطره کمبود کالاهای اولیه و اساسی، بانک‌های خلیج فارس را در هاله‌ای از اضطراب فرو برده است و به‌همین دلیل حساسیت روانی در وضعیت نگران‌کننده‌ای بازار مالی را تهدید می‌کند. در این میان دولت عربستان سعودی، بزرگترین اقتصاد در جهان عرب در حال حاضر همه سپرده‌های بانکی را ضمانت کرده و افزون بر آن با کاهش نسبت ذخیره قانونی بانک‌ها از ۱۳ به ۱۰ درصد بانک‌ها را قادر کرده که مقدار بیشتری وام به مشتریان خود پرداخت کنند. علاوه بر عربستان سعودی، راهکار مورد انتخاب قطر به این ترتیب بود که مقدار قابل ملاحظه‌ای نقدینگی که از بانک‌های منتخب محلی جمع‌آوری کرده بود، به سیستم مالی تزریق کرد. در همان حال قطر، مبلغ ۳/۷ میلیارد پوند معادل ۸/۱۱ میلیارد دلار به بانک PLC سومین بانک بزرگ انگلیس پول تزریق کرد که این امر باعث شد تا این بانک دفتر ترانز خود را بدون کمک از دولت انگلیس تقویت کند.

بحرین با توجه به موقعیت بهتر خود بین کشورهای شورای هماهنگی اعلام کرده است که وجوه نقد برای بانک‌هایی که به نقدینگی احتیاج دارند موجود است، با وجود این بانک مرکزی این امیرنشین اطلاعاتی در مورد میزان در یافتی اعلام نکرده است. به‌منظور اطمینان بخشی به بازار مالی، وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تاکنون ملاقات‌ها و نشست‌هایی داشته‌اند تا زمینه‌های همکاری کشورهای عضو را برای خروج این کشورها از رکود ۶ ساله بررسی کنند. در این نشست‌ها تلاش‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس در مورد اطمینان بخشی به بازارهای مالی از طریق تزریق مقدار زیادی نقدینگی به سیستم بانکیشان نیز بررسی شده است. در این نشست‌ها همچنین درباره آثار بحران مالی بر روی وجوه و ذخیره‌های جهانی به‌علاوه ذخیره‌های شخصی بحث و گفت و گو شده است. به‌طوری‌که همچنان ایجاد اطمینان به پایداری بخش‌های مالی و رشد اقتصادی در منطقه با

وجود بحران مالی در جهان و افت شدید قیمت نفت مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر این وزرای دارایی در این کشورها متعهد شده‌اند که موقعیت خودشان را بر علیه بحران مالی که عملکرد ملایم بانکها و بازارهای سهام را مختل کرده مستحکم و متحد کنند. پیش‌بینی می‌شود که ارزش واقعی ثروت و دارایی‌های میلیونی‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس به سوی کسر شدن ۵۰ درصدی پیش می‌رود و این میزان در سال ۲۰۱۰ معادل ۸/۳ تریلیون دلار خواهد بود، بی‌گمان تأکید شده است که این رشد نمی‌تواند بخش‌های مالی را متوقف یا ورشکسته کند. به‌عنوان یک راهکار در مقابل بحران، دولت دومی یک کمیته مخصوص تشکیل داده تا آثار بحران اقتصادی فراگیر را بر روی بازارهای خرید و فروش املاک که روزی در اوج بود برعهده بگیرند. هدف اصلی این کمیته بررسی راه‌های مختلفی است که می‌توان دوباره اطمینان به بازارهای خرید و فروش املاک را بازگرداند. تاکنون بازار املاک رکود مداومی را شاهد بوده است و در بعضی مناطق پیشرفته این رکود به ۴۰ درصد رسیده است. براساس نظر وزیر دارایی پادشاهی بحرین راه‌حل مبارزه با این بحران مالی جهانی هماهنگی و یکپارچگی عملکرد جهانی است. در این زمینه آنچه مورد احتیاج است بررسی دو موضوع است: اول آثار بحران مالی جهانی در رابطه با توانایی اعطاکندگانی برای پرداخت تعهداتشان و همچنین افزایش ظرفیت مؤسسات وابسته که با فقر و تنگدستی سر و کار دارند و دوم اطمینان به جریان مالی به موقع و کافی به بخش‌های آسیب‌پذیر در کشورهای کم درآمد است. طبق اظهار وزیر دارایی نیجریه برای مقابله با بحران مالی لازم است که اول: یک همکاری جهانی بر پایه انسجام و مسئولیت متحد ایجاد کرد و در مرحله بعد برای کمک به زیربنای اقتصادی و کشاورزی و تجاری آفریقا پروژه‌های منطقه‌ای را با کمک کشورهای دیگر افزایش داد. براساس تصمیم دولت قزاقستان تا اواخر ۲۰۰۸ مبلغ ۱۵ میلیون دلار (حدود ۱۵ درصد از درآمد ملی کشور) به اقتصاد تزریق می‌کند تا با تأثیرات طبیعی بحران اقتصادی مقابله کند. دولت پاکستان اخیراً قوانین سخت مالی خود را از میان برداشته و اعلام کرده مقدار ۲۷۰ میلیارد روپیه به سیستم بانکی تزریق می‌کند تا به سیستم کمک کند تا به‌نحوی مانع کاهش اعتبارات مالی شود و به این ترتیب اعتماد لازم را به سپرده‌های بانکی دوباره ایجاد کند.

به‌طور کلی در پاکستان بانک‌های کشور با مشکلات بی‌شماری برای تأمین نقدینگی به‌منظور انجام تعهدات با مبالغ بالا و ادامه ارائه اعتبارات به بخش خصوصی رو به رو هستند. همین‌طور استقراض بین بانکی نیز متوقف شده است و بانک‌های بزرگ همگی قرض‌دادن به بانک‌های کوچکتر را متوقف کرده‌اند، از این‌رو پاکستان در حال مذاکرات غیررسمی با IMF و سایر

کشورهای دوست برای بسته پشتیبانی ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلاری برای کمک به اقتصادش و جلوگیری از بحران ایجاد شده در پرداخت‌هایش است. پاکستان ممکن است طی دو سال آینده حداقل به مبلغ ۱۰ میلیارد دلار نیاز داشته باشد تا بتواند عدم پرداخت بدهی‌های خود را مانع گردد. براساس آخرین آمار دریافتی، ذخایر تجاری خارجی پاکستان ۷۴ درصد کمتر شده و به حدود ۳/۴ میلیارد دلار در سال گذشته رسیده است. با توجه به ناآرامی‌های اخیر در پاکستان این شانس که پاکستان بتواند قرض ۳ میلیارد دلاری سال جاری خود را پرداخت کند کاهش یافته است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که بیشتر آن‌ها با دلار کار می‌کنند به پیروی از سیاست‌های خزانه‌داری آمریکا با کاهش نرخ بهره و افزایش نقدینگی داخلی در برخی کشورها تسهیلاتی مالی را ایجاد کرده‌اند. در آفریقای جنوبی و کشور مغرب در رابطه با بحران هیچ‌گونه مشکل نقدینگی مشاهده نشده است. در حال حاضر فشارهای تورم در مصر کاهش یافته است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده کاهش فشارهای مالی در آینده باشد. طبق آخرین اطلاعات، سرمایه‌گذاری‌های جهانی بر روی شرکت‌های انرژی پاک در فصل سوم از چهار فصل سال کاهش زیادی داشته و دلیل آن بحران مالی کنونی است، لیکن نکته جالب در این میان افزایش سرمایه‌گذاران مشارکتی دولتی و خصوصی به میزان ۴/۴ میلیارد دلار در فصل سوم سال بوده است.

به‌نظر می‌رسد در کشورهای اسلامی، بحران مالی سرعت انجام پروژه‌های بنیادی طرح‌ریزی شده را کاهش دهد. در حقیقت دارایی عمومی جهانی بیشتر مربوط به تسهیلات واگذار شده برای ساختن تأسیساتی در رابطه با جاده‌ها و راه‌آهن، الکتریسیته و حق امتیاز آب مصرفی بوده است. با توجه به وضعیت کنونی بازار مالی جهان، ارزش تسهیلات واگذار شده به احتمال زیاد کاهش خواهد یافت. این امر مسلماً یک اثر منفی در رشد اقتصادی و توسعه بازار کار کشورهای در حال توسعه خواهد داشت. براساس آخرین اطلاعات، نیجریه اعلام کرده که حتی از هم‌اکنون تحت تأثیر بحران مالی، در بازسازی ۳۴۰۰۰ کیلومتر جاده در کشورش با مشکل رو به رو است. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به مناسبات محدود با دنیای غرب به جز کاهش نسبی قیمت نفت، مشکلات مالی کمتر از سایر کشورهای اسلامی برآورد می‌شود. در حال در صورت برنامه‌ریزی درست ممکن است فرصت‌های جدیدی در رابطه با امکان انتقال فناوری پیشرفته فراهم شود.

نکته قابل ذکر آن است که علاوه بر کشورهای اروپایی، وزارت دارایی آمریکا در حال بررسی آثار مثبتی است که بانکداری اسلامی ممکن است بر روی بحران اقتصادی کنونی بگذارد. زیرا

تاکنون بانکداری اسلامی توانسته است مصونیت معناداری در رابطه با آشفتگی مالی جهانی کنونی داشته باشد. براساس اعلام اتاق مالی کویت، دلایلی که باعث مصونیت بانکداری اسلامی از سقوط در بحران مالی جهان شده به شرح زیر است:

اول - قواعدی که مؤسسات بزرگ و اصلی را از مبادلات با ریسک بالا منع می‌کند.

دوم - نفی عملیات ربوی و توجه بر سرمایه‌گذاری خصوصی

براساس اظهارات مدیر مؤسسه داو جونز<sup>۱</sup>، سیستم بانکداری اسلامی برخلاف بحران موجود مالی در بلند مدت سالانه ۲۰ تا ۲۵ درصد رشد خواهد داشت. ایشان پیش‌بینی می‌کنند کاهش عملیات مالی کنونی بانکداری اسلامی برای مدت کوتاهی ادامه می‌یابد، لیکن به‌زودی این بخش‌ها شتاب خود را باز می‌یابند. به این ترتیب این سیستم، سرمایه‌گذاران عادی را به خاطر شفافیت و به دلیل یک سیستم مالی واقع‌گرا، جذب خواهد کرد. در هر حال بانکداری اسلامی به خاطر طبیعتش نمی‌تواند در کالاهای مالی مجازی که بانک‌های معمولی در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، سرمایه‌گذاری کند، بانکداری اسلامی سرمایه‌گذاری براساس روابط ربوی را ممنوع کرده و این دو گرایش به‌نظر می‌رسد بزرگترین تأثیر منفی را بر سرمایه جهانی و بازار اقتصاد جهانی داشته است.

### نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی

اخیراً با توجه به ویژگی تأمین‌پذیری نهادهای مالی اسلامی، کشورهای اروپایی به‌منظور جذب منابع اسلامی، ساز و کارهایی برای جذب این منابع تدارک دیده‌اند، لیکن با توجه به تداخل منابع اسلامی و غیراسلامی لازم است این منابع در چارچوب بانک‌های اسلامی و در کشورهای مسلمان صورت گیرد.

درحالی که تقسیم کار عملیاتی برای بهره‌وری منابع مالی اسلامی به‌منظور ارتقاء کارایی بانک‌های اسلامی اجتناب‌ناپذیر است، در همان حال شفاف‌سازی وظایف نهادهای مالی خصوصی و دولتی نقش مهمی در تأثیرپذیری در مقابل بحران‌های مالی بین‌المللی خواهد داشت.

نهادهای مالی اسلامی همچنان نیاز مبرمی به تحقیق و توسعه خواهند داشت، درحال حاضر آفت اصلی این نهادها، گرایش تدریجی آن‌ها به همان فرآیند ربوی است که با توجه به

<sup>1</sup> Dow Jones, Shariah Scholar forum (1999)

عدم شفافیت وظایف این نهادها، ناشی از نقش بسیار ضعیف بانک‌های مرکزی در نظارت و ارشاد نهادهای مالی اسلامی است.

توسعه مالی و جریان وجوه بین کشورهای اسلامی در جلوگیری از آسیب‌های خارجی برای این کشورها نقش مهمی خواهد داشت.

طبق پژوهشی که در سال گذشته (۲۰۰۸) توسط "مارتین سی هاک" و "هیکو هس" در IMF صورت گرفته است<sup>۱</sup>، بانک‌های اسلامی با بزرگ شدن با مخاطره اخلاقی<sup>۲</sup> مواجه‌اند و نیاز مبرمی به تقویت بخش‌های نظارتی تخصصی خواهند داشت. این پژوهش می‌تواند نقش الزامی ارتقاء مراکز نظارتی و بازرسی تخصصی را در جریان توسعه بانکداری اسلامی مورد تأکید قرار دهد.

<sup>۱</sup> Martin Cihak & Heiko Hesse (2008) "Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis" IMF Working Paper, 2008

<sup>۲</sup> Moral Hazard

## کتابنامه

## الف - فارسی:

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: *قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی*، ۱۳۷۱.

توتونچیان، ایرج: *مقایسه سرعت گردش پول در سیستم سرمایه‌داری و اسلام*، مجموعه مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلامی.

رجایی، محمد: *مقایسه اجمالی تجهیز و تخصیص منابع پولی در دو نظام بانکی ربوی و غیرربوی*، نشریه معرفت، شماره ۴۱، ۱۳۸۰.

فصلنامه بانک صادرات، به نقل از روزنامه اطلاعات، ۲۵ دی ۱۳۸۵.

## ب - انگلیسی:

Ahmad Ziauddin: *Concept and Models of Islamic Banking, Karachi*, 1984.

Askari, H., Iqbal, Z., Mirakhor, A.: *New issues in Islamic Finance & Economics John Wiley & Sons*, 2009.

Dow Jones: *Shariah Scholar forum*, 1999.

Fernandez, R.B.: *Implications dinamicas de la propuesta de simons para reforma del systema financier, banco central de la Republica Argentina*, 1984.

French News: *French economy minister wants to promote Islamic finance to attract Gulf-based investment which is currently flowing to London*, 2008.

Friedman, Milton: *The monetary theory and policy of Henry Simons, Chicago*, 1969.

Golembo, C.H .and J.I .Mingo: *Can supervision and regulation ensure financial stability*,FRB of San Francisco, 1985.

IDB hosts meeting on global crisis, 2008.

IMF Survey Magazine January 28, 2009.

Karecken J.H: *Ensuring Financial Stability*,FRB of San Francisco, 1985.

Khan, M. S: *Islamic interest free banking*,IMF Staff Papers, March, 33(1):127,1986.

\_\_\_\_\_, and Mirakhor, A: *The framework and practice of Islamic banking, Finance and Development, September*,1986.

\_\_\_\_\_ and \_\_\_\_\_: *Theoretical Studies in Islamic Banking and Finance (Book Distribution Centre, Houston*,1987.

Martin Cihak & Heiko Hesse: *Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis*, IMF Working Paper, 2008.

Meltzer,L.A :*Wealth, Saving ,and the Rate of Interest*, Journal of political economy Chicago,1951.

Mirakhor, Abbas:*Short-term Assets Concentration and Islamic Banking, in Mohsin S Khan and Abbas Mirakhor, eds*,*Theoretical Studies in Islamic Banking and Finance, Houston, Institute for Research and Islamic Studies*,1987.

Simons ,H. C :*Economic policy for a free society, Chicago*, 1948